

درس می گفتند. اکثر فضیله مشهود در درس ایشان شرکت می کردند و درسشان محل اجتماع بزرگان بود.

■ ارتباط علمی ایشان با علمای هم دوره، مانند آیت الله العظمی خوئی چگونه بود؟
ارتباط صمیمانه و خوبی داشتند. گاهی می شد که ما از درس نامه های آیت الله العظمی خوئی مطالبی می آموختیم و سپس آن مطالب را در درس آیت الله العظمی میلانی مطرح می کردیم. ایشان هم با روی باز می پذیرفتند و می فرمودند اشکالی ندارد و به همه ابهامات و سؤالات پاسخ می دادند. این سعه صدر علمی از ویژگی های برجسته ایشان بود.

■ مشهور است که آیت الله العظمی میلانی بر مباحث عرفانی هم تسلط داشتند. آیا این موضوع صحت دارد؟ آیا شما مورد خاصی را در این زمینه به یاد دارید؟
فضای مشهود آن زمان اجازه بروز علنی چنین مباحثی را نمی داد، اما شواهدی وجود دارد که ایشان در این حوزه نیز بی بهره نبودند. شنیده ام مدتی در محضر مرحوم سید علی قاضی بوده اند، هرچند من در این باره قطعیت ندارم. از نامه هایی که مرحوم حاج شیخ اصفهانی به مرحوم جد ما نوشته اند، استفاده می شود که شاگردان

ایشان عنایت های خاص سلوکی داشته اند. برای مثال، سفارش به ذکر «یونسیه» در خلوت یا در حال سجده از همین دست توصیه ها بود. پیداست که دستورات معنوی وجود داشته، هرچند به صورت عمومی مطرح نمی شده است.

■ رابطه ایشان با علامه طباطبایی چگونه بود؟
بین ایشان و مرحوم علامه طباطبایی ارتباط ویژه ای وجود داشت. علامه طباطبایی سوابق علمی فراوانی در نجف داشتند و هم دوره برخی از اساتید بزرگ بودند. علامه طباطبایی بر اعلمیت و نماز جماعت آیت الله العظمی میلانی تأکید داشتند و خود دیده ام که برای اقتدار نماز ایشان، به مشهد می آمدند و بدون تشریفات، در گوشه ای می نشستند و بعد در نماز شرکت می کردند.

■ رفتار آیت الله العظمی میلانی با شاگردانشان چگونه بود؟
ایشان با طلاب، حتی آن هایی که رفتار نامناسبی داشتند، با ادب و نزاکت برخورد می کردند. یک بار به محضرشان شرفیاب شدم، در حالی که ایشان مشغول صحبت تلفنی بودند. بعد از مکالمه متوجه حضور من شدند، بلافاصله از جا برخاستند و فرمودند: «شما آمدید،

من احترام نکردم؛ شما لازم الاحترام هستید.» این رفتار محترمانه واقعاً مرا شرمند کرد. عرض کردم شما حق استادی گردن بنده دارید و من همیشه مدیون حضرتعالی هستم. از این دست رفتارها با طلاب جوان زیاد داشتند.

■ به تشویق شاگردان هم اهمیت می دادند؟
بله، بسیار زیاد؛ به ویژه نسبت به طلاب جوان و مستعد. یادم هست آقای علم الهدی نقل می کردند که آقا فرموده بود هر کس در درس من حاضر می شود باید مطالب را بنویسد و داشته باشد. من هم طبق همین دستور، درس ها را می نوشتم و به صورت منظم نگهداری می کردم. غرض این بود که طلاب جوان توانایی تحقیق و نگارش را در خودشان تقویت کنند. دفترهایی را که نوشته بودم، خدمت آقای علم الهدی بردم. ایشان خیلی پسندید و در محضر آیت الله العظمی میلانی موضوع را مطرح و تشویق کرد.

آقا از همان تاریخ شهریه من را که ۲۰۰ تومان بود، به ۴۰۰ تومان افزایش دادند. این ها نشان می دهد که آن مرحوم چقدر به تربیت و تشویق شاگردان اهمیت می دادند.

چکیده مطلب: این مصاحبه، مروری است بر سلوک علمی و تربیتی آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی، از منظر یکی از شاگردان ایشان. آیت الله سید محمد حسینی زنجانی، فرزند آیت الله العظمی سید عزالدین حسینی زنجانی، با اشاره به سال های حضور در درس خارج آیت الله العظمی میلانی، از جایگاه علمی، شیوه تدریس و سعه صدر کم نظیر او سخن می گوید. تسلط بر مبانی فکری استادان نجف، فضای گفت و گوی آزاد علمی، ارتباط سازنده با علما و توجه جدی به تربیت و تشویق شاگردان، از محورهای اصلی این گفت و گو است. روایت های ارائه شده نشان می دهد که مرجعیت آیت الله العظمی میلانی، ترکیبی متوازن از علم، اخلاق و تربیت بود؛ مکتبی که تأثیر آن، فراتر از کلاس درس، در ساختن نسل های بعدی حوزه استمرار یافت.

